

## وادوش، وادوشا، بادوشا، تراز خلاقیت و ابتکار مختابادهای البرز شرقی در استفاده بهینه از نیروی انسانی

علیرضا شاه‌حسینی\*

(تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۳، تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۱۲)

### چکیده

یکی از شیوه‌های کوچ‌نشینی در البرز شرقی، مختابادی است. ویژگی مهم این نوع دامداری سنتی مبتنی بر کوچ، عدم حضور زنان در فعالیت‌های دامداری است. زن‌ها در تمام طول سال در روستا و احیاناً در شهر می‌مانند و نقشی در امور دامداری خارج از روستا ندارند. بنابراین دامداران، در دوره استقرار بیلاقی- که دوره شیردوشی و تهیه فرآورده‌های لبنی است- مردان ماهری را که در امر شیردوشی و تهیه لبنیات، مانند کندیل زنی و کشک زنی و تهیه قره‌قروت مهارت دارند، استخدام می‌کنند. این افراد در میان دامداران مناطق البرز شرقی ایران به مخته‌باد، مختاباد، مختاباذ و مخته‌باز نامبردار هستند. در این شیوه اوج مشارکت دامداری مشاهده می‌شود. در این سیستم، دامداران دام‌های خود را در گله مشترکی گرد می‌آورند، مشترکاً به چرا می‌برند، چوپان مشترک می‌گیرند، مشترکاً شیردوشی می‌کنند، به کمک هم لبنیات درست می‌کنند و مشترکاً مخارج می‌پردازند و در آخر نیز تمامی درآمدها را نسبت به سهم هر کس از گله اشتراکی تقسیم می‌کنند. وادوش، وادوشا، بادوشا یا تراز، افزون بر این از جشن‌های دامداری این منطقه به شمار می‌رود، در شمار یکی از مهم‌ترین تعاونی‌های سنتی دامداران و مختابادها نیز محسوب می‌شود. این آیین که در اواسط دوره شیردوشی برگزار می‌شود بیانگر نوعی از مشارکت و یاریگری است که دامداران در استفاده بهینه از نیروی انسانی به کار گرفته‌اند. نوشتار پیش رو می‌کوشد با تکیه بر روش توصیف و تحلیل، به معرفی و تحلیل ویژگی‌های مردم شناسانه این آیین در میان گله‌داران البرز شرقی در استان سمنان بپردازد.

کلید واژه‌ها: یاریگری سنتی / وادوش یا وادوشا / مختابادها / استان سمنان

\* دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی

kh.shahhosseini@gmail.com

نامه انسان‌شناسی، سال چهاردهم، شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۷۵-۹۳

## مقدمه

جامعه سنتی ایران از گذشته‌های دور، در موارد گوناگون و برای مقابله با دشواری‌های زندگی اجتماعی از روش‌های (تکنیک‌های) یاریگری و تعاونی بهره جسته و در این زمینه صاحب نمونه‌های گوناگون و مختلفی از همیاری و تعاون است. فقر اقتصادی، فقدان امنیت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی دشوار از سویی و فرهنگ یاری‌دوست و پراخوت اسلامی از سوی دیگر، در درازنای زمان روستاییان و کوچ‌نشینان ایران را هر چه بیشتر به هم وابسته کرده است. برخورد سازنده و هشیارانه با این دشواری‌ها چه در زمینه مبارزه با طبیعت و سایر عرصه‌های اجتماعی به آفرینش شکل‌های بسیار متنوع و سازگاری از یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در جامعه ایران انجامیده است.

شیوه‌های مشارکت و یاری‌گری در بهره برداری در مناطق مختلف ایران متناسب با فرهنگ و شرایط محیطی آن منطقه اتخاذ گردیده و در نهایت یک نظام بهره برداری پایدار را پدید می‌آورد که ریشه در دانش بومی و تجربه‌های شغلی قرن‌های گذشتهٔ این مرز و بوم دارد و تا جامعه پا بر جاست به عنوان پایه فرهنگی و فنی به تکامل ادامه می‌دهند (راسخی ۱۳۹۳: ۲۲۸).

کمبود مطالعات همه جانبه درباره جامعه بومی و از آن جمله کمبود مطالعات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، به ویژه جامعه‌شناسی روستایی و مردم‌شناسی اقتصادی درباره جوامع روستایی و ایلی ایران در گذشته، عملاً آسیب‌های گوناگون و جبران ناپذیری پدید آورده است؛ آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی و روانی که جبران آنها اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود (فرهادی ۱۳۷۳: ۱۰). سیاست‌ها و برنامه ریزی‌های نادرست، جهل و بی‌توجهی درباره شرایط اقلیمی و اجتماعی خودی و شناخت ناقص درباره شرایط و امکانات بیگانه، سبب نابودی بسیاری از تأسیسات کشاورزی و برهم زدن و تضعیف سازمان‌ها و شیوه‌های تعاونی سنتی شده است بی‌آنکه سازمان‌های کارآمدتر و شیوه‌های مؤثر و مطمئن‌تری جایگزین آنها شود.

از قرن‌ها پیش دامداران به نقش مشارکت و همیاری در امور گله داری پی برده‌اند. لذا بسیاری از کارها را به صورت گروهی انجام می‌دادند. این همیاری در بین گله داران در قالب

نظریه‌ای با عنوان «سهولت اجتماعی» مطرح می‌شود. این اصطلاح بیانگر این است که عمل مشترک تأثیری مفید دارد. بر اساس این نظریه اعمال یک فرد در حضور سایر افرادی که همان عمل را انجام می‌دهند تسهیل می‌شود (زایونگ ۱۳۶۸: ۴۱). آزمایش‌های متعدد نشان می‌دهد که کار مشترک و همکاری، سطح کلی انگیزه را بالا برده، موجب افزایش کارکرد «عاملان مشترک» و همکاران می‌گردد. (فرهادی ۱۳۹۷: ۱۴۵).

بنابراین در روان‌شناسی جانوری و روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی با مفاهیمی همچون «سهولت اجتماعی» و مفهوم «نیروی گروه»، که بیشتر از حاصل جمع تک‌تک افراد است و در اقتصاد نوین و توسعه تحت عنوان سرمایه اجتماعی و مشارکت (یاریگری) و در انسان‌شناسی با عنوان «پتانسیل فرهنگی»<sup>۱</sup> بازنمود شده است (فرهادی ۱۳۹۷: ۴۱).

این گونه تعاونی‌ها و همیاری‌ها، شبکه‌ای از پیوندهای اجتماعی نامرئی را در جامعه به وجود می‌آورند که سبب می‌شود تا همبستگی اجتماعی و در نتیجه آن سرمایه اجتماعی افزایش یابد (فیروز روز و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۷۳). شرایط طبیعی و اجتماعی ما به نحوی است که اصولاً بدون همیاری و صرفه جویی، افزایش تولید در حد صادرات و در نتیجه توسعه فرهنگی اجتماعی - اقتصادی امکان‌ناپذیر نیست. در طول قرون متمادی، همیاری در همه ابعاد جزو ویژگی‌های فرهنگی ما بوده است. سازمان‌های همیار، اساس ساختار فرهنگی ما را تشکیل می‌داده‌اند (پاپلی یزدی، ۱۳۷۷: ۲۵).

از گذشته‌های دور در ایران، نمونه‌های بسیار از همکاری و همیاری و تولید جمعی نظیر بنه، صحرا، حراثه و واره، بلوک، گالشی و گاو میش داری (فرهادی، ۱۳۸۷: ۴۱) وجود داشته است. همه این انواع تعاونی‌های یاد شده دارای یک اصل مهم بوده و آن این که استقلال اقتصادی افراد را حفظ می‌کردند و مالکیت افراد را به خطر نمی‌انداختند (طالب، ۱۳۹۱: ۲۶). در بین ایلات و عشایر استان سمنان، تعاونی سنتی متعددی رواج دارد از جمله این نظام‌های سنتی می‌توان به

---

۱ منظور از پتانسیل فرهنگی، همه ذخیره دانشی و تجربی و فنی و بینشی و منشی و کنشی یک ملت است که در شرایط عادی، همچون ثروتی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و حرکت به جلو را همچون نوعی انرژی ذخیره شده، آسان‌تر و میسر می‌سازد نک به: مرتضی فرهادی، انسان‌شناسی یاریگری، سمنان، حبله رود، ۱۳۹۷، صص ۹۱-۹۹.

«واره» نزد زنان عشایری و روستایی، «ورابریم» (پشم چینی بره‌ها)، تلم زنی (کره گیری سنتی)، چرای نوبتی گله‌ها و موارد دیگر اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین و ناشناخته‌ترین تعاونی‌های سنتی در بین دامداران البرز شرقی استان سمنان «وادوش» است. در این نظام سنتی دامداران با تعداد دام نابرابر به عضویت تعاونی در می‌آیند و در روز مشخص معمولاً یک جمعه در اواخر خرداد یا اوایل تیر ماه هر یک از دامداران دام‌های خود را جداگانه می‌دوشند که معیاری است برای تقسیم محصولات لبنی تولید شده. این روز نزد دامداران یک جشن نیز محسوب می‌شود.

#### پیشینه تحقیق

پاپلی یزدی (۱۳۷۷) از مختابدها تحت عنوان اوج مشارکت در دامداری سنتی نام می‌برد و به ویژگی‌های این شیوه از دامداری سنتی در منطقه پشت بسطام شاهرود می‌پردازد وی در این مقاله به «وادوش» اشاره کرده است.

رنجبر و شاه حسینی (۱۳۷۹) به بررسی زندگی مختابدها و شیوه مختابادی در مناطق شمالی دامغان (چهارده کلاته (دیباچ) و بادله کوه) پرداخته‌اند. محققان در مقاله خود از وادوش به عنوان روایت مردانه واره یاد کرده‌اند که در نظام دوشش، روزی را در میانه فصل شیردوشی انتخاب می‌کنند تا هر مالک دام‌های خود را جداگانه بدوشد و سهم خود را از محصولات لبنی تولید شده مشخص نماید. بارانی (۱۳۸۲) در رساله دکتری خود به مبحث وادوش بین دامداران البرز شرقی پرداخته که در این نظام سنتی تعاون، دامداران با تعداد دام نابرابر به عضویت تعاونی در می‌آیند. وی به مقایسه دو روش شاخ شماری و وادوش پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بر اساس باور مردم پیمانانه کردن شیر حقوق واقعی اعضا را بهتر از شاخ شماری تضمین می‌کند

نادری (۱۳۸۹) آیین وادوش را نزد دامداران و مختابدهای روستای میغان از توابع بخش بسطام شهرستان شاهرود شرح داده است.

شاه حسینی (۱۳۹۴) آیین وادوش در روستای ارمیان شهرستان میامی را معرفی کرده است و عرف‌ها و مقررات آن را برشمرده است.

در این گفتار تلاش شده است تا حد امکان به معرفی بیشتر این تعاونی سنتی، پراکندگی جغرافیایی و ویژگی‌های آن پرداخته شود.

### تعاریف و موقعیت جغرافیایی منطقه

در محدوده‌ای در البرز شرقی از شمالی‌ترین نقطه شهرستان مهدی شهر شامل فولاد محله و آبادی‌های دره شورتنگه تا آبادی‌های دره تویه دروار در شمال غرب شهرستان دامغان و روستاهای آستانه و آهوانو، تویه رودبار و شهر دیباج در شمال دامغان و غالب روستاهای منطقه پشت بسطام شامل روستاهای ابرسج، میغان، تاش، نکارمن، قلعه نوخرقان، ابر، چارطاق پرو و خیج و شهرهای مجن و کلاته خیج و روستاهای سرحدات میامی (ارمیان، قدس، کلاته اسد، جودانه و محمد آباد)، شیوه‌ای از زندگی کوچندگی رواج دارد که به مختابادی یا مخته‌بادی<sup>۱</sup> مشهور است. اقتصاد این کوچندگان بر پایه دامداری سنتی استوار است و به پرورش گوسفند و بز اشتغال دارند.

ویژگی مهم این نوع دامداری سنتی مبتنی بر کوچ، عدم حضور زنان در فعالیت‌های دامداری است. زن‌ها در تمام سال در روستا و احیاناً در شهر می‌مانند و نقشی در امور دامداری خارج از روستا ندارند. از این رو دامداران، در دوره استقرار بیلاقی - که دوره شیردوشی و تهیه فرآورده‌های لبنی است - مردان ماهری را که در امر شیر دوشی و تهیه لبنیات مانند کندیل زنی و کشک زنی و تهیه قره‌قروت مهارت دارند، استخدام می‌کنند. این افراد به مخته‌باد، مختاباد، مختاباذ و مخته‌باذ نامبردار هستند. در این شیوه اوج مشارکت دامداری مشاهده می‌شود. در این سیستم، دامداران دام‌های خود را در گله مشترکی گرد می‌آورند، مشترکاً به چرا می‌برند، چوپان مشترک می‌گیرند، مشترکاً شیر دوشی می‌کنند مشترکاً لبنیات درست می‌کنند و مشترکاً مخارج می‌پردازند و در پایان نیز تمامی درآمدها را نسبت به سهم هر کس تقسیم می‌کنند.

---

۱ در مورد مختاباد و مخته‌بادی رک: محمد حسین پاپلی یزدی "مختاباذ اوج مشارکت سنتی در دامداری سنتی" فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، س ۱۳، ش ۴ صص ۳۳-۲۴. و مختاباد، مخته‌باد مختاباد، نوعی تعاونی سنتی کهن مردانه در مناطق شمالی دامغان، کشاورزی و صنعت، ش ۱۸، آذر ۱۳۷۹.

گروهی از این دامداران همانند عشایر چهارده کلاته، مجن، ابرسج، تاش و میغان، کوچ بلند و طولانی دارند و در زمره عشایر برون کوچ قرار می‌گیرند. آن‌ها در دوره قشلاقی به مناطق گرمسیری استان‌های گلستان و خراسان شمالی کوچ می‌کنند. اما تعدادی بیشتری از آنها کوچ کوتاه دارند و در فاصله کمتر از ۵۰ کیلومتر در اطراف آبادی‌های خود بیلاق و قشلاق می‌کنند.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش «تلفیقی از دو روش میدانی و اسنادی» بوده است. در مرحله اول به کلیه اسناد و مدارکی که تاکنون در باره وادوش منتشر شده، مراجعه شد و مباحث آن در پیشینه تحقیق ارائه گردید. اما عمده کار به شیوه میدانی انجام گردید.

نگارنده در تابستان ۱۳۹۶ در دوره شیر دوشی دام‌ها، از آرام‌ها (بیلاق‌ها)ی مختابادهای شمال شهرستان‌های شاهرود و دامغان و مهدی شهر در ارتفاعات البرز شرقی، همچنین آرام‌های سرحدات شهرستان میامی بازدید کرد و با دامداران و مختابادهای خبره این مناطق مصاحبه کرده است. جامعه آماری تحقیق، دامداران کوچنده‌ای بودند که به شیوه مختابادی روزگار می‌گذرانند. محقق با حضور در آرام‌های مختابادها، آیین وادوش را از نزدیک مشاهده نموده و با مختابادهایی که در حال شیردوشی و تهیه فرآورده‌های لبنی بودند، مصاحبه نیمه ساختار یافته داشته و عکس و تصویر تهیه کرده است. افزون بر این، پس از دوره وادوش با هدف تکمیل اطلاعات لازم و آگاهی از چگونگی این آیین در بین عشایر مذکور، با برخی از دامداران در روستاهای محل سکونت آنها مصاحبه کرده است. در برخی از موارد خود نیز در این کار با آنها مشارکت داشته است. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند (مبتنی بر هدف) و تکنیک گلوله برفی استفاده شده و تا رسیدن به اشباع، انتخاب نمونه‌ها ادامه یافت.

### یافته‌ها

#### ۱- شیوه شیردوشی

گلهٔ زایی (شیرده) هر روز برای دوشیدن ساعت ده صبح به آرام می‌آید. مختابادها دام‌ها را می‌دوشند. روش دوشیدن در بین مختابادها با سایر کوچندگان متفاوت است. در روش‌های

دیگر معمولاً یک دام توسط یک زن و در برخی موارد توسط یک مرد دوشیده می‌شود که متعلق به خود آنهاست. اما در این شیوه دام (گوسفند و بز) همه کسانی که در بره<sup>۱</sup> حضور دارند، بدون توجه به این که دام به کدام یک از شرکا تعلق دارد، دوشیده می‌شود. مرد اول که سنگ دم بره نام دارد دام را می‌دوشد ولی تمام شیر آنها را نمی‌دوشد. مرد دوم همان دام را باز می‌دوشد و مرد سوم کار را تمام نموده اصطلاحاً پاک‌دوش می‌کند. به بیان دیگر، یک دام توسط دو و گاهی سه نفر دوشیده می‌شود.

## ۲- زمان شیردوشی

شیردوشی در بین بیشتر دامداران کوچنده منطقه، از شصتم عید در آرام‌ها شروع و با توجه وضعیت مراتع (مساعده بودن یا نامساعده بودن) به مدت ۶۰ تا ۹۰ روز ادامه می‌یابد. شیردوشی به عهده مختابدهاست. مختاباد اغلب در طول دوره شیردوشی روزانه یک نوبت دام‌ها را می‌دوشند. شیر دوشی از ساعت ۱۰ شروع می‌شود و با توجه به تعداد شیردوش‌ها و شمار دام‌های شیرده بین دو تا سه ساعت به طول می‌انجامد.

## ۳- تعداد شیر دوش‌ها در شیوه مختابادی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد شیردوشی در سیستم مختابادی کاری مردانه است. تعداد شیر دوش‌ها که در «بره» که کار شیردوشی را انجام می‌دهند، کمتر از سایر شیوه‌هاست. سایر دامداران در شیوه‌های کوچندگی و نیمه کوچندگی هر تعداد دام که داشته باشند، موظف‌اند دام‌هایشان را خودشان بدوشند. اما در شیوه مختابادی، چکانه‌ها (دامداران خرده پا) در کار شیردوشی نقشی ندارند. این کار در کنار اموری مانند گندیل زنی، تهیه کشک و سیچوی و... به عهده مردان ماهری به نام مختاباد نهاده شده است.

## ۴- تعداد دفعات شیردوشی در طول روز

مختابادها برخلاف کوچندگان و نیمه کوچندگان، دام‌هایشان را در طول شیردوشی تنها یک بار و آن هم نزدیک ظهر (ساعت ۱۰ صبح) می‌دوشند. در صورتی که در سایر شیوه‌ها دامداران در

دو نوبت صبح و عصر دام‌ها را می‌دوشند. اما در برخی از مناطق از جمله فولاد محله و تویه دروار، دام‌ها در دو نوبت دوشیده می‌شوند. در فولاد محله به نوبت صبح «صُبْدُم» و در تویه دروار «صُبْ دام» و به نوبت عصر در فولاد محله «نِماشُن دام» و در تویه دروار «نُماشان دام» گفته می‌شود.

### ۵- زمان وادوش

مراسم وادوش در وسط فصل شیر دوشی قرار دارد. به طور معمول دوره شیر دوشی ۹۰ روز است. بنابراین روز وادوش در روز چهل و پنجم شیردوشی صورت می‌گیرد. در ارمیان حدود ۲۰ روز بعد از آغاز شیردوشی و در مجن ۱۵ روز بعد از «دام و دوش» وادوش برگزار می‌شود.

### ۶- تعیین میزان شیر هر یک از شرکا

برای این که میزان شیر هر یک از شرکا به طور دقیق مشخص شود، در اواسط دورهٔ شیردوشی، روزی را تعیین می‌کنند تا هریک از شرکا، دام خود را جداگانه بدوشند تا از میزان شیر دام خود آگاه شود. این روز در اصطلاح «وادوش»<sup>۱</sup> نام دارد.<sup>۲</sup>

معمولاً گله‌های هر «آرام» (اردوگاه تابستانه) در مالکیت یک یا چند دامدار عمده (ارباب) و تعداد بیشتری چکانه (خرده پا) است. چکانه‌ها در آرام حضور ندارند و شیردوشی دام‌ها به طور اشتراکی به عهده مختابدهاست. حضور چکانه‌ها در آرام اصلاً صرفه اقتصادی ندارد. برای نمونه فردی که تنها ۴ یا ۵ رأس دام شیرده در آرام دارد، غیر عقلایی است که هر روز برای شیر دوشی به آرام بیاید و دام‌هایش را جداگانه بدوشد. بنابراین این کار را با پرداخت دستمزد به مختابدها واگذار می‌کند. اما برای این که میزان شیر هر کدام از دامداران دقیق مشخص شود روز مشخص را به نام وادوش تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر در شیوه مختابادی چون گله متعلق به افراد زیادی است، دوشیدن شیر دام‌ها هر روز به طور جداگانه وقت گیر است لذا کلیه

۱ وادوش از دو واژه «وا» به معنی جدا و «دوش» مخفف دوشیدن تشکیل شده است. و معادل تحت‌اللفظی جدا دوشیدن است.

۲ در سال‌های اخیر در برخی نقاط از جمله «مجن» شاخ شمار جایگزین وادوش شده است در شاخ شمار تعداد دام اعم از گوسفند و بز ملاک تقسیم محصول است نه میزان شیر آن‌ها.



دامها صرف نظر از این که متعلق به چه کسی است با هم دوشیده می شود. وادوش، با آداب و آیین‌هایی همراه است که در ادامه به آنها می پردازیم.

## ۷- آیین‌های وادوش<sup>۱</sup>

یک هفته قبل از وادوش، سرمخته‌باد<sup>۲</sup>، شرکا (دامداران چکانه) را از روز وادوش آگاه می سازد. (در سال‌های اخیر اغلب روز جمعه را برای وادوش انتخاب می کنند زیرا امکان حضور همه شرکا که در ادارات یا شرکت‌ها اشتغال دارند وجود دارد). شرکا نیز عصر روز قبل از وادوش، از آبادی حرکت می کنند تا شب را در آرام سپری کنند. برخی از آنها نیز سحرگاه روز وادوش روانه آرام می شوند. معمولاً رسم است هر یک از شرکا مقداری میوه از قبیل خربزه، هندوانه و شیرینی و نان به عنوان تحفه برای چوپانان می برند. در بیشتر موارد دامداران، از برخی دوستان، اقوام و آشنایان خود نیز در مراسم وادوش دعوت می کنند. جملگی افراد در صبحانه با سرشیر، کره و سایر لبنیات پذیرایی می شوند. پس از پایان وادوش و صرف نهار و استراحت و بازگشت شرکا به روستا، رسم است که هر یک از مختابادها یک «کوله» (قالب) کشک به آنها به عنوان سوغات می دهند.<sup>۳</sup>

چوپانان در شب وادوش دام‌های شیری را در مراتع قرق و نارد چرا می دهند تا در روز وادوش شیر بیشتری دهد تا در برابر دامداران سرافراز باشد.

وادوش مهم‌ترین جشن دامداران و مختابادهاست. به همین مناسبت سر مختاباد، روز قبل از وادوش دامی را ذبح می کند، آشپز مخصوصی را تعیین می کند تا غذای مفصلی را برای نهار این روز تدارک ببیند. روز وادوش روز پر ازدحامی در آرام است.<sup>۴</sup> این روز خاطره‌انگیزترین روز برای دامداران و مختابادهاست.

---

۱ این آیین در روستاهای سرحدات میامی، «وادوشا»، در تویه دروار دامغان و فولاد محله مهدی شهر «تراز»، در تویه رودبار دامغان «شیرتراز»، در روستاهای پشت بسطام «وادوش» و در خیج و کلاته خیج «بادوش» نامیده می شود.

۲ سرمختاباد

۳ در طول برپایی آرام چنانچه به دلایلی از جمله بردن دام بیمار به آبادی و... هر یک از شرکا به آرام سرکش کنند مختابادها یک «کوله» کشک به آنها می دهند.

۴ دامداران در این باره مثل جالبی دارند، به هر مکان شلوغ و پر ازدحام می گویند «مگه وادوشه؟» و چنانچه در جایی بیش از تعداد مهمانان وسایل پذیرایی تدارک دیده شود و ریخت و پاش باشد می گویند: «مگه وادوشه؟»

قبل از شروع شیر دوشی، بره، آب و جارو می‌شود و گسترش بیشتری می‌یابد. چون تعداد افراد بیشتری در شیر دوشی مشارکت دارند. همه دامداران ظرف شیر دوشی مجزایی دارند. دامداران عمده با دیگ‌های بزرگ‌تر و دامداران خرده پا با ظروف کوچک‌تر در دم‌بره حاضر می‌شوند با شروع شیردوشی اسپند دود می‌کنند و بر پیامبر گرامی اسلام صلوات می‌فرستند. ترتیب نشستن شیر دوش‌ها بدین ترتیب است که جای نشستن مختابادها ثابت و ابتدای دم‌بره است آنها دام اربابان را می‌دوشند و چکانه‌ها نیز به ترتیب تعداد دام مستقر می‌شوند. تلاش همه شرکا این است که دام‌هایشان را به دقت بدوشند چون ملاک و معیار تقسیم محصول به میزان شیر روز وادوش وابسته است.

#### ۸- مدت زمان وادوش

طول مدت زمان شیردوشی در روز وادوش در مقایسه با روزهای معمولی بیشتر است. در یکی از آرام‌های ابرسیج به نام «دشت» در دامنه جنوبی شاهوار که ۵۵۰ رأس دام شیرده (۲۰۰ بز و ۳۵۰ رأس میش) داشت در روزهای معمولی با چهار مختاباد دام‌ها به مدت دو ساعت شیردوشی شدند اما در روز وادوش با ۱۲ نفر شیر دوش با یک ساعت زمان بیشتر دام‌ها دوشیده شدند. در آرام «کویکی» متعلق به دامداران روستای ارمیان میامی، در روز وادوش ۵۶۰ رأس دام شیرده (۲۱۰ رأس میش و ۳۵۰ رأس بز) به مدت ۴ ساعت توسط ۱۴ تن از شرکا دوشیده شدند. در حالی که روز قبل از وادوش ۶ مخته‌باد و چوپان همین تعداد دام را در مدت ۳ ساعت دوشیده بودند.

#### ۹- اندازه گیری شیر

پس از پایان شیر دوشی میزان شیر تک‌تک دامداران وزن و در دفتر حساب و کتاب درج می‌شود. تا در روز حاصل‌خانه بر مبنای آن محصولات تولیدی را تقسیم کنند. تولید لبنیات را به من (هر من سه کیلو گرم) می‌سنجند. و برای مقادیر کمتر آن را به «سیر» تقلیل می‌دهند. به عنوان مثال در روستای ابرسیج واحدهای اندازه گیری در روز وادوش ظروفی با اندازه‌های مختلف به شرح زیر هستند:

- هشتاد سیر معادل دو من

- چهل سیر معادل یک من

- بیست سیر معادل نیم من

- سی سیر

- پانزده سیر

- ده سیر

- پنج سیر

- یک سیر

در بین دامداران فولاد محله ظروف اندازه گیری شیر در روز وادوش عبارتند از:

پم ب: دیگ بزرگ با ظرفیت ۴۰ کیلوگرم شیر

میخ بند: تا میخ‌های دسته پم ب

گُنگ: دیگ مسی برابر یک سوم پم ب

اوه گیر: آبگردان

#### ۱۰- نحوه محاسبه شیر

اغلب دامداران و مختابادها تفاوتی برای شیر بز و گوسفند قائل نشده آن را برابر حساب می‌کنند. گرچه کیفیت شیر این دو نوع دام متفاوت است. افزون بر این که تعداد آنها در گله یکسان نیست. اما برخی از آنها از جمله دامداران میغان و مجن شیر گوسفند را «حاصل بُر» می‌دانند که در واقع چربی بیشتری دارد. بنابراین ۳ کیلوگرم شیر بز را معادل ۲ کیلوگرم شیر گوسفند محاسبه می‌کنند که در اصطلاح به آن «سَرَنیم» می‌گویند. البته این امر مستلزم جدا دوشیدن شیر بزها و گوسفندان است. پیش‌تر نیز در ابرسج این رسم رواج داشت؛ اما در این سال‌ها این کار منسوخ شده است. دامداران خییج و کلاته خییج، شیر بز را نصف شیر میش محاسبه می‌کنند و شیر بز خالک دار<sup>۱</sup> را یک چهارم و میش خالک دار را یک دوم محسوب می‌کنند.

---

۱ به دام‌هایی که دیرتر از موعد مقرر می‌زایند و بره یا بزغاله کوچک دارند، خالک دار یعنی دارای خالک می‌گویند.

در روستاهای ابر و میغان کسی که بیشترین شیر را در روز وادوش دوشیده باشد «مَدَل» نام دارد. وی بزغاله‌ای را ذبح و شام روز وادوش را تدارک می‌بیند و از شرکا و مهمانان پذیرایی می‌کند.

### ۱۱- آداب و رسوم و عُرف‌ها در وادوش

در ارمیان چنانچه دامی تا روز قبل از وادوش تلف شده باشد، شیر آن محاسبه می‌شود، اما اگر روز بعد از وادوش تلف شده باشد به حساب نمی‌آید. در تویه دروار چنانچه دامی قبل از وادوش تلف شود، شیر آن محاسبه لُبنیات مرحله اول (قبل از وادوش) به صاحب آن تعلق می‌گیرد. در چهارده کلاته (دیباچ)، چنانچه دامی در دوره شیردوشی تلف شود سهم محصول آن برای صاحبش منظور می‌شود. همچنین در صورتی که چند روز قبل از وادوش دامی زایمان کند و به جمع دام‌های دوشا (شیری) اضافه شود نیمی از شیر آن محاسبه می‌شود. چنانچه دامی در روز وادوش گم شده باشد و روز بعد از وادوش پیدا شود شیر آن دوشیده و محاسبه می‌شود.

اگر در روز وادوش در حین شیردوشی، بخشی از شیر یکی از افراد به زمین ریخته شود، سرمختاباد و یکی از بزرگان «آرام»، میزان شیر ریخته شده بر زمین را تخمین می‌زنند و چنانچه تمامی شیر بر زمین ریخته شود آن فرد می‌بایست دو روز بعد از شیر دوشی<sup>۱</sup>، دام‌هایش را جداگانه بدوشد. سرمختاباد، شیر آن روز او را مبنای شیر وادوش قرار می‌دهد. البته به چوپانان توصیه می‌کنند که گله را در همان مرتعی چرا دهد که در شب وادوش چرانده است. اگر دامداری به دلایلی در روز وادوش شرکت نکند نمایندهٔ وی که معمولاً یکی از اقوام و نزدیکان اوست را برای این کار در نظر می‌گیرد.

اگر چکانه‌ای شیردوشی بلد نباشد، شیردوشی را به یکی از آشنایان یا اقوام خود می‌سپارد. در منطقه تویه دروار در روز «تراز» درویشانی از اطراف و اکناف به خیل می‌آمدند و در آیین وادوش، مداحی می‌کردند. ارباب نیز در پایان شیردوشی، یک من کشک و یک قالب «قره‌قروت» به درویش می‌داد.

۱ دلیل این امر این است که روز بعد از شیردوشی که خلامه‌ها (بره‌ها و بزغاله‌ها) شیر نخورده‌اند شیر دام‌ها در روز بعد از آن افزایش محسوسی خواهد داشت که با روز وادوش برابری نخواهد داشت.

## ۱۲ - تولید فراورده‌های لبنی

فراورده‌های لبنی که دامداران و مختابادهای البرز شرقی در مقایسه با عشایر کوچنده و نیمه کوچنده دامنه‌های جنوبی البرز تولید می‌کنند از تنوع کمتری برخوردار است<sup>۱</sup>. شاید دلیل اصلی این امر عدم حضور زنان در «آرام» باشد. مختابادها معمولاً فراورده‌هایی مانند کره، کشک، قره‌قروت، سرشیر و به میزان کمتری پنیر و به ندرت لور تهیه می‌کنند. دو محصول اصلی آنها «کره» و «کشک» است. در کامل‌ترین زنجیره تولید لبنی مختابادها، این فراورده‌ها به ۱۳ نوع می‌رسد که شامل سرشیر، آرشه سرشیر، ماست تازه، سرماست، کره، روغن (کره ذوب شده)، دُرت، سی چوی (قره‌قروت)، دوغ تازه، سزومه، کشک، پنیر و لور است<sup>۲</sup>. میزان تولید انواع فراورده‌های لبنی در این شیوه - بر خلاف سایر شیوه‌ها - تا حدود زیادی مشخص است. میزان تولیدات در این شیوه به تلاش و دلسوزی چوپانان در تعلیف گله به ویژه دادن شب چر، مهارت و کوشش مختابادها در شیردوشی و فراوری آن، دوره شیر دوشی و وضعیت علوفه مراتع (در خشک‌سالی‌ها و ترسالی‌ها) دارد.

در خشک‌سالی‌ها، مدت دوره شیر دوشی کاهش می‌یابد بنا بر این میزان شیر دام‌ها نیز کاهش محسوسی دارد. بعلاوه میزان شیر دام‌ها به دو عامل اساسی نقش چوپان<sup>۳</sup> و مهارت مختاباد دارد. چوپان باید دام‌ها را شب چر دهد، در مسیرهای نارد<sup>۴</sup> چرا دهد و به طور کلی نقش خطیر خود را ایفا کند. افزون بر این میزان مهارت مختابادها<sup>۵</sup>، تعداد نیروی انسانی مستقر در آرام نیز در میزان تولیدات مؤثر است. به طور کلی تعداد فراورده‌های لبنی که مختابادها در فصل شیر دوشی

۱ عشایر ایل سنگسری از شیر بیش از ۳۲ نوع فراورده لبنی تولید می‌کنند که برخی از آنها در نوع خود منحصر به فرد هستند. رک: علیرضا شاه حسینی. زنجیره تهیه لبنیات در عشایر استان سمنان، نمایه پژوهش، س ۴، ش ۱۳-۱۴، ۱۳۷۹، صص ۹۲-۱۰۷، و نیز حسن پاکزادیان. خورش، لبنیات در ایل سنگسری. سمنان، سمنگان، ۱۳۹۵.

۲ رک: علیرضا شاه حسینی. دیباج (چهارده کلاته) گوهری در شمال دامغان، سمنان: حبله رود، ۱۳۸۷ ص ۱۱۱.

۳ چوپانی کارش ۳۶۰ مُقْم، غیر از هر و هورش (مَثَل ابرسجی)

۴ دامداران ارمیان بر این باورند که چنانچه چوپانی گله شیری را روی رد گله دیگر بچراند به طور محسوسی از شیر دام‌ها کاسته می‌شود. همچنین رم کردن گله و ترس از گرگ و حیوانات درنده و علل دیگر از جمله این آسیب است.

۵ از گذشته‌های دور رقابت بین مختابادها و چوپانان وجود داشته است. چوپانان به دنبال تحویل شیر زیاد در روز وادوش بودند اما مختابادها به دنبال شیر کمتر در این روز بودند تا مهارت خود را در فراوری لبنیات در روز حاصل تقسیم کنی به رخ چوپانان بکشند که با شیر کم توانسته‌اند محصول بیشتری تولید کند.

در بیلاق تهیه می‌کند در مقایسه با کوچندگان و نیمه کوچندگان تنوع کمتری دارد.<sup>۱</sup> برخی از انواع فراورده‌های لبنی نیازمند دقت و حوصله و سلیقه فراوان است که از عهده مردان خارج است.<sup>۲</sup> فراورده‌های لبنی در بین مختابادها تنوع زیادی ندارد.

کره و کشک دو محصول مهم این دامداران به شمار می‌رود. سایر فراورده‌ها مانند سرشیر یا قیماق به طور معمول سهم چوپانان است. فراورده‌هایی مانند دوغ تازه تبدیل به سیزمه و سپس کشک می‌گردد. بخشی از سر شیر تولید شده در روزهای نزدیک وادوش جمع آوری و از شرکا در صبحانه روز وادوش پذیرایی می‌شود. در تویه دروار تولید سیچو (قره‌قروت) نزد مختابادها از اهمیت زیادی برخوردار است.<sup>۳</sup> و معمولاً معادل کره، سیچو، تولید می‌کنند. سیچوی تولیدی مختابادهای تویه دروار شهره است و خواهان زیادی دارد. در روز تقسیم محصول، به هر یک از مالکان یک من سیچوی داده می‌شود و بقیه به فروش می‌رسد و بخشی از هزینه‌های «خیل» با فروش «سیچوی» (قره‌قروت) تأمین می‌شود و مابقی از شرکا دریافت می‌شود. اما چنانچه فردی نیاز به سیچوی بیشتری داشته باشد باید آن را خریداری کند. بعد از دوره گرم کردن شیر در آرام در دوره‌ای خاص به مدت تقریبی حدود سه هفته، شیر دام‌ها بر مبنای پیمانانه روز وادوش به هر یک از دامداران تعلق می‌گیرد. دامداران شیر دام‌ها را دوشیده و آن را تبدیل به پنیر و لور<sup>۴</sup> می‌کنند. این دوره شیر دوشی به «پنیر پنجه» معروف است. بنا بر این پنیر پس از دوره رسمی شیر دوشی تهیه می‌شود.<sup>۵</sup> سایر محصولات مانند سزومه، ماست سفت یا چکیده و غیره به مقدار کم تهیه می‌شود.

۱ در بین عشایر کشور، عشایر ایل سنگسری متنوع‌ترین فراورده‌های لبنی را تولید می‌کنند که تعداد آنها به ۳۲ نوع می‌رسد. رک: حسن پاکزادیان. خورشی (لبنیات در ایل سنگسری) سمنان: سمنگان، ۱۳۹۵ و علیرضا شاه حسینی. زنجیره تهیه لبنیات در عشایر استان سمنان، نمایه پژوهش، س چهارم، ش ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۷۹، صص ۹۲-۱۰۷

۲ از جمله این فراورده‌ها تهیه آرشه است که تهیه آن ساعت‌ها وقت لازم دارد و در بین عشایر کاری زنانه است.

۳ در بین برخی از دامداران مختابادی از جمله آستانه در گذشته حقوق مختاباد، سیچوی تولیدی در آرام بود.

۴ در برخی از مناطق در دوره جفت‌گیری دام‌ها از شیر دام‌ها پنیری به نام «پنیر نر و کل (در ارمیان)» یا «نر سری» (ابرسج) تهیه می‌کنند که بسیار خوشمزه است

۵ دامداران ارمیان سه نوع پنیر تهیه می‌کند ۱- پنیری که پس از پایان دوره آرام یعنی در اوایل شهریور ماه به مدت یک ماه شیر دام‌ها تبدیل به پنیر می‌شود به این پنیر در اصطلاح شیر پنیر گفته می‌شود ۲- پنیر نر و کل که از شیر بزها در زمان جفت‌گیری به دست می‌آید و ۳- پنیر علف سویزی که در اوایل بهار از شیر «هلّری» به دست می‌آید.

مختابادهای تویه دروار در طول دوره شیردوشی از هر من شیر (۳ کیلوگرم) فراورده‌های زیر را تولید می‌کنند:

- کره ۸ من

- کشک ۱۲ من

- سیچوی (قره قروت) ۲۴

- آرشه سر شیر ۳ من

در ابرسج در سال‌های مساعد از هر من شیر ۶ من کشک، ۵ من کره، ۲ من قره قروت به دست می‌آید اما در خشک‌سالی‌ها از هر من شیر ۴ من کشک، ۲/۵ من کره یک من سیچوی (قره قروت) به دست می‌آورند.<sup>۱</sup>

در کلاته خیج و خیج از هر من شیر ۳ من کره و ۳ من قروت (کشک) می‌گیرند و سرشیر به صورت تازه مصرف می‌شود و به تولید سیچو توجه چندانی ندارند.

### ۱۳- حاصل تقسیم کنی

فراورده‌های لبنی که در طول دوره شیردوشی در بیلاق تهیه می‌شود به تدریج به روستا منتقل و در مکان خنک و مناسبی در زیرزمین منازل مسکونی به نام «روغن چال» نگهداری می‌شود تا در روز موعود که توسط مسئول آرام تعیین می‌شود، بین شرکا تقسیم شود. روز تقسیم محصول چند روز پس از پایان دوره شیردوشی رسمی و آرام است. این روز با آیین‌های خاصی همراه است. روز تقسیم لبنیات به روز «حاصل خانه»<sup>۲</sup>، «حاصل بخش»<sup>۳</sup>، «حساب خانه»<sup>۴</sup>، «قروت بخش»<sup>۵</sup>، «حاصل تقسیم کنی»<sup>۶</sup>، «آلفه خانه»<sup>۱</sup>، «سنگ زدن» یا «سنگ و ترازو»<sup>۲</sup> معروف است.

---

۱ در ابرسج سر شیر تولیدی در دوره بیلاقی به نسبت میزان شیر به صورت تازه بین دامداران تقسیم می‌شود. اما در ارمیان سرشیر سهم چوپانان است و بخشی از آن در روز وادوش بین دامداران چکنه (خرده پا) توزیع می‌شود.

۲ ابرسج، تویه دروار

۳ ابرسج

۴ میغان

۵ کلاته خیج و خیج

۶ روستاهای دره تویه دروار

در برخی از روستاها از جمله میغان، کره تولیدی در آرام در خانه‌ای موسوم به «خانه روغنی» نگهداری می‌شد و در روز تقسیم محصول در روستا در منزل ارباب تقسیم می‌شود. اما کشک تولیدی در روز بعد از وادوش در «آرام» وزن و به صورت علی‌الحساب بین شرکا تقسیم می‌شود. و کشک تولیدی بعد از وادوش در روز حاصل تقسیم کنی به طور دقیق محاسبه و تقسیم می‌شود. در این آیین، فراورده‌های لبنی تولید شده در «آرام» متناسب با میزان شیر دوشیده شده هر یک از شرکا در روز وادوش تقسیم می‌شود. بنابراین کل محصول تولید شده را وزن کرده و به میزان شیر روز وادوش تقسیم می‌کنند. در روز حاصل تقسیم کنی مسئول آرام، دامی را ذبح می‌کند و ناهار مفصلی را تدارک می‌بیند و علاوه بر شرکا، تعدادی از آشنایان و دوستان نیز برای صرف ناهار و پذیرایی دعوت می‌شوند. همچنین شیر آخرین روز شیردوشی در «آرام» به پنیر تبدیل می‌شود و برای پذیرایی مهمانان روز «حاصل تقسیم کنی» نگهداری می‌شود.

در روز حاصل تقسیم کنی، ابتدا کل محصول وزن و بر مبنای شیر روز وادوش تقسیم می‌شود. چنانچه در طول دوره بیلاقی، هر یک از شرکا نیاز به محصولی داشته باشند از سر مختاباد دریافت می‌کند. سر مختاباد نیز ریز حساب‌ها را در دفتر «حساب و کتاب» یادداشت می‌کند و در روز حاصل تقسیم کنی از حساب شریک کسر می‌کند و چنانچه شریکی بیشتر از سهم خود، محصول برده بود وجه آن را پرداخت نماید.

در روستای فولاد محله رسم است در پایان روز «تراز» (وادوش) که تقریباً در اواسط دوره شیردوشی است تولیدات لبنی به دست آمده را وزن و به نسبت شیر بین شرکا تقسیم می‌کنند و تولیدات نیمه دوم شیر دوشی را در پایان دوره شیردوشی تقسیم می‌شود.

در بین دامداران روستاهای فولاد محله و ارمیان «سی چوی» (قره‌قروت) تولید شده برای مخارج داخلی خیل یا آرام از قبیل نمک، قند و چای و کبریت و... هزینه می‌شود. در واقع مالکان از آن سهمی نمی‌برند. چنانچه کسی «سیچوی» بخواهد، باید خریداری کند. معمولاً «سی چوی» تولیدی معادل کره است. اما اغلب مختابادها به دلیل سختی کار، هزینه سوخت و...



رغبتی برای تهیه آن ندارند. میزان تولید سیچوی در بین مختابادهای فولاد محله و تویه دروار قابل توجه است.

### نتیجه‌گیری

شناخت گروه‌های یاریگر سنتی به نوبه خود راه رفع نواقص سازمان‌های یاریگر جدید صنعتی را هموار خواهد کرد و به کار آمدی گروه‌های مبتنی بر یاریگری که تعداد آنها هم کم نیست خواهد افزود. تعاونی‌های همیار جوامع سنتی و صنعتی هر کدام نقاط قوت و ضعف خود را دارند. شناخت گروه‌ها و منظومه‌های گروهی کمک خواهند کرد که راه‌های جدیدی برای کاستن نواقص جامعه صنعتی و جوامع رو به رشد اندیشیده شود (فرهادی، همان).

کمترین فایده شناخت و فهم تعاونی‌های سنتی همچون «واره»، «بُنه»، وادوش «و مال» این است که زمینه و فضا و پتانسیل فرهنگی مناسبی را برای آفرینش و آموزش هر گونه مشارکت و تعاونی فراهم می‌سازد. از این رو تجربیات بومی گروه‌ها و سازمان‌های سنتی می‌تواند روند یادگیری، فهم موقعیت‌های مشارکتی جدید و تعاونی‌های رسمی را تسهیل کند یا به قول روان‌شناسان تربیتی، این تجربیات همچون «پاسخ‌های واسطه‌ای» یا «پاسخ‌های میانجی» عمل می‌کند. بدون این پاسخ‌های واسطه‌ای - در اینجا تجربیات پیشین - یادگیری‌های موقعیت‌های جدید آسان نخواهد بود

بنابراین بدون دانستن این مسئله که چه بودیم و چه هستیم امکان آن که بدانیم چه خواهیم شد وجود نخواهد داشت. «اگر ندانسته‌ای از کجا آمده‌ای، نخواهی دانست که به کجا می‌روی». آمیختن دانش بومی با دانش روز (نوین) منجر به الگوی توسعه پایدار بومی می‌گردد. در این رابطه شناخت دانش بومی و شیوه‌های سنتی تولید و آگاهی از دانش روز نقش کلیدی در دستیابی به شاخص‌های توسعه پایدار را خواهد داشت. بنابراین دانش‌های بومی با بهره‌گیری بسترهای تجربی، می‌تواند نقش مهمی در انتقال اطلاعات و باروری قدرت تصمیم‌گیری در روستاییان و عشایر داشته باشد و در بهره‌برداری مطلوب منابع و امکانات مؤثر واقع شود.

## منابع

- بارانی، حسین (۱۳۸۲)، بررسی مبانی مرتع‌داری در بین گله داران البرز شرقی، رساله دکتری دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران
- پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۷۷)، مخابرات اوج مشارکت دامداری سنتی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۵۱.
- پاکزادیان، حسن (۱۳۹۵). خورشی، لبنیات در ایل سنگسری. سمنان: سمنگان.
- راسخی، ساره (۱۳۹۳)، تحلیل شبکه اجتماعی در سیاست گذاری و برنامه ریزی مدیریت مشارکتی مرتع. مطالعه موردی: روستای قصر یعقوب استان فارس، رساله دکتری رشته مرتع‌داری، واحد علوم و تحقیقات دانشکده منابع طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی.
- رنجبر، عنایت الله؛ شاه حسینی، علیرضا (۱۳۷۹)، مخته‌باد، مخته‌باذ، مخابرات، نوعی تعاونی سنتی کهن مردانه در مناطق شمالی دامغان، کشاورزی و صنعت، شماره ۱۸.
- زایونگ، ربرت بی. (۱۳۶۸). روان شناسی اجتماعی تجربی. ترجمه محمود ایروانی. تهران: فتحی.
- شاه حسینی، علیرضا (۱۳۷۹)، زنجیره تهیه لبنیات در عشایر استان سمنان، نمایه پژوهش، سال ۴، شماره ۱۳ و ۱۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). دیباج (چهارده کلاته) گوهری در شمال دامغان. سمنان: حبله رود.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). شناخت روستاهای استان سمنان، ارمیان بارگاه ارمیای نبی. دفتر ۳. سمنان: حبله رود.
- طالب، مهدی (۱۳۹۱)، تعاونی‌های روستایی و حکمرانی روستایی در ایران، توسعه روستایی، دوره ۴، شماره ۲.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۷)، گونه‌شناسی یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در ایران، پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه نامه پژوهش‌های اجتماعی.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۷). انسان شناسی یاریگری. سمنان: حبله رود.
- فیروز روز، مصطفی؛ قربانی، مهدی؛ عرفان زاده، رضا (۱۳۹۵)، دانش بومی و سنت‌های محلی در تولید و مدیریت محصولات شیری دام گوسفندی، مطالعه موردی: روستای تا کُر شهرستان نور، مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، دوره ۶۹، شماره ۲.
- نادری، علی اصغر (۱۳۸۹). میغان نامه، مونوگرافی میغان شاهرود. سمنان: حبله رود.

## راویان و مصاحبه شوندگان

۱. اسماعیل کوثری روستای ابرسج
۲. اسماعیل میرنژاد تویه دروار دامغان
۳. حاج رمضانعلی جیلانی روستای خبیج
۴. حامد نوروزی، روستای تویه رود بار دامغان
۵. شادروان قربانیان
۶. حسن صادقی فولادی روستای فولاد محله مهدی شهر
۷. حسین محمد آبادی روستای ارمیان
۸. سید اسماعیل شعنی دیباج
۹. سید حسین میر عماد روستای آستانه دامغان
۱۰. عباسعلی سعدی روستای ابرسج
۱۱. عرب انصاری، شهر کلاته خبیج
۱۲. عزت الله عرب انصاری شهر کلاته خبیج
۱۳. عظیم جلالی روستای ابرسج
۱۴. عین الله محمد آبادی روستای ارمیان میامی
۱۵. قنبر علی شُکری روستای ابرسج
۱۶. کریم عرب انصاری، آرام قاسم خان خبیج
۱۷. محمد اصغری، شهر مجن
۱۸. محمد علی جرگه روستای ابرسج
۱۹. محمد ملأ کاظمی روستای میغان
۲۰. یدالله عجم اکرامی کلاته خبیج
۲۱. علی اکبر وفایی نژاد روستای دهخدای تویه دروار دامغان